

مشاورین مدارس و آموزش و پرورش دانش آموزان

غزل لطفی

مدرسه اجتماعی کوچک برای یادگیری مبانی حضور در جامعه است و در هر سیستم آموزشی موفق، پرورش و تربیت فکری و جریان سازی صحیح آموزشی، بیش از خود آموزش، نقش آفرین است. پرورش روحی و روانی کودکان و نوجوانان و به اصطلاح، اجتماعی شدن موثر، از زمان ورود به سیستم آموزشی آغاز می شود. کودکی که تا قبل از شروع تحصیلات مقدماتی فقط تحت تاثیر آموزه های خانوادگی بوده؛ حالا در حال تاثیرپذیری از آموزگار و اولیای مدرسه است و در کنار این با کودکان دیگری که هم سن و سال خودش هستند و روحیات و خلیقات متفاوتی دارند نیز روبرو می شود. این رویارویی هر چند بسیار جذاب و هیجان انگیز است اما نیازمند جهت دهی خواهد بود تا روند اجتماعی سازی صحیح صورت گیرد. شاید یکی از مهم ترین مسوولیت هایی که برای مشاورین مدارس تعریف شده است؛ هدایت تحصیلی و انتخاب رشته و در نهایت کشف علایق و استعداد های دانش آموزان برای حضور موفق در کنکور و ورود به دانشگاه باشد، اما بیش و پیش از آن و با توجه به اینکه دانش آموزان ساعاتی طولانی را در مدرسه و محیط آموزشی می گذرانند؛ مشاورین نقش تاثیر گذاری در رشد و بلوغ روانی و فکری آنها دارند. ارتباط بین دانش آموز، اولیا و معلمین و مسوولان آموزشی مدارس که از همان روزهای نخستین ورود کودک به سیستم آموزشی آغاز می شود، می تواند توسط مشاورین با پویایی و هدفمند شکل دهی شود و نخستین گام های تربیت اجتماعی کودک باشد که نمود آن در بزرگسالی و در محیط کار و زندگی افراد قابل مشاهده است. مشاورین با توجه به تخصص و تجربه خود به بیان و تعریف بدون قضاوت تفاوت ها (ویژگی های فردی) و معرفی راهی همسو با استعداد، توانایی ها، علایق و موقعیت خاص هر شخص، می پردازند و در این بین برای سوالات متعدد کودکان و نوجوانان که بنا به سن خود، مطرح می کنند بهترین پاسخ را یافته و به زبان خود دانش آموز، جواب مناسب را ارائه می دهند تا این ارتباط پویا را عمیق تر و فعال تر کنند. شکافتن واقعی موضوعات اجتماعی و تشریح و تفسیر صحیح آن، به

پویا تر شدن این ارتباط کمک می‌کند. باید دقت داشت که دانش‌آموزان عصر دیجیتال، اخبار مورد علاقه خود را از شبکه‌های اجتماعی دنبال می‌کنند و گاهی بیان سوال توسط آنها صرفاً سنجش واکنش بزرگ‌ترها است و راستی‌آزمایی می‌کنند تا بتوانند اعتماد کنند و اگر اعتمادشان سلب شود بازگرداندن شرایط به قبل تقریباً غیر ممکن است. مشاورین با آگاهی از این ویژگی و اطلاعات پیرامونی، باید تلاش کنند با راهنمایی کردن دانش‌آموزان و آگاهی‌دادن نصیحت‌پرهیز و در نظر گرفتن طرافت‌های نوجوانی، تعاملی دوستانه را پایه‌ریزی کنند. همچنین باید درک مناسبی از تفاوت پند و اندرز، که باعث واکنش منفی علی‌الخصوص در سنین نوجوانی می‌شود، با مشاوره داشته و این درک را به‌خوبی ارایه دهند تا توسط دانش‌آموز پذیرفته شود، چون اقتضای نوجوانی؛ همفکری است نه نصیحت شنیدن! مشاورین در واقع، درس زندگی را تدریس می‌کنند. درسی که هر چند در کتاب‌های مهارت‌های زندگی آموزش داده می‌شود اما افزون بر آن با ایجاد رابطه خلاق با دانش‌آموز و ارتقای سطح فکری و بینش، فراتر از کتاب و نمره خواهد بود و هدف نهایی آن رشد همه‌جانبه شخصیتی است که با سلامت روان، وارد جامعه خواهد شد. در واقع ماهیت اصلی مشاوره؛ حمایتگری، ایجاد انگیزه و تمرکز روی مسیریابی است و این مسیر که با هدف موفقیت، تقویت ایمنی و بهداشت روانی انتخاب می‌شود برای هر فردی متفاوت خواهد بود و به‌همین جهت، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی حائز اهمیت است. مشاورین از اولین روزهای سال تحصیلی با برنامه‌ریزی دقیق به شناخت تکتک دانش‌آموزان پرداخته و با مستندسازی شرایط هر فرد، به تدریج به شناختی نسبی از او می‌رسند که این شناخت در طول سال و حتی یک مقطع تحصیلی ادامه خواهد داشت و به ارایه راهکارهای بهتری منتج می‌شود. برگزاری ورکشاپ‌های تعاملی برای والدین و دانش‌آموزان از جمله روش‌هایی است که به شناخت واقعی و بهتر رابطه بین والدین و کودک کمک می‌کند. آزمون‌های روان‌شناسی استاندارد، نظرسنجی، اردوهای دانش‌آموزی، مشاوره‌های فردی و... از روش‌های دیگر برای کسب شناخت است. مشاورین زمانی موفق هستند که توانسته باشند با کسب اعتماد دانش‌آموز، به دوستی امین و کاردان بدل شوند. دانش‌آموزی که در طول تحصیل، خاطرات خوبی از تبادل موضوعات مختلف با مشاور خود داشته باشد در بزرگسالی هم در مواجهه با زخم‌های روانی، نسبت به کمک گرفتن از مشاور و روان‌شناس، جبهه‌گیری نخواهد داشت. در واقع راهی که به سلامت روانی اجتماعی منتهی خواهد شد، آغازش را در مدرسه باید پیدا کرد.